مقدمه

آیا نفس الامر مساوق با وجود مقابلی است یا از آن اوسع است؟

این نوشته در پی جواب دادن به این سوال است و سعی دارد با استشهاد به مواردی واضح معلوم شود که مورد ای مواردی داریم که نه وجود ذهنی است و نه وجود خارجی ولی همه قبول دارند که حق و صادق است و ذهن آن را خلق نکرده است.

مراد از اوسعیت نفس الامر از وجود اوسعیت استقلالی است و الا اینکه حوزه های مورد اشاره در بحث اوسعیت را تابع وجود بدانیم ومساله ی نفس الامر را یکمساله ی وجود شناختی بدانیم مشکلی را حل نخواهد کرد و توالی فاسدهاناصحاب نفس الامر در وجود مقابلی برطرف نخواهد شد.

در کتاب ما مطلب از کشف المراد و ذیلمساله ی ۳۷ مقصد اول امور عامة شروع شده است و بحث بین خواجه (ره) و علامه (ره) به جایی می رسد که علامه (ره) می فرمایند: «**فلم یات فیه بقنع**»[1]. اینها حاکی از اهمیت مطلب است که در وهلهاول برای سامان دادن مناط صدق در قضایای قائل به موطنی غیر از ذهن و خارج می شوند ولی در ادامه از پس جواب اشکالات بر نمی آیند.

شخصی به نام شمس الدین محمد کیشی نقدی بر رسالهینفس الامر خواجه (ره) دارد به نام روضة النناضر که شرحی بسیار نقادانه و قوی است و به بحث غلتی داده است یعنی مسائلی مطرح می کند که بحث را جلو می برد.[2]

گاهی وقتی بحثی مطرح می شود اذهان قانع می شوند بدون اینکه مساله واقعا حل شده باشد. بعد از آن اگر کسی نشان دهد که پاسخ داده شده اقناعی بوده و مساله واقعا حل نشده است خود این نشان دادن، بحث را یک گام جلو می برد. کتاب کیشی از این جهت خوب است.خواجه (ره) نفس الامر را به صور متقش در عقل فعال می برد که به وجهی خوب است اما اگر عقل فعال را مثل آخوند ملاصدرا (ره) به صقع ربوبی ببریم ای در موطن کی وجودی به دنبالش بگردیم دوباره همهاشکالات باز می گردد. بله اگر منظور همان موطنی باشد که در ادامه به عنوان موطن فیض اقدس ای موطن علم (حضرت علم) بیان خواهد شد، این قابل دفاع است و چه بسا در راتکاز خواجه (ره) هم همین بوده اما ضوابط کلاسیکی که خواجه در نظر گرفته و به آنها پایبند است اجازهی این

تعبیری را به او نمی دهد. لذا بعدی ها آمده اند و اشکال کرده اند که اگر در عقل فعال صور علمی قرار دارد، خود این صورت مطابق می خواهد (خود عقل فعال صورت مطابق می خواهد) و مطابق آن چیست؟

مرحوم حاج آقای حسن زاده در تعلیقه فرموده اند: «من هم به خاطر اشکالات علامه (ره) رساله ای در نفس الامر نوشته ام».

به هر حال خاستگاه بحث در شرح تجرید منامط الصدق فی القضایا است، لذا ما نیز بحث را از همین جا شروع می کنیم.

تذکر: ممکن است به بسیاری از تحلیل هایی که متفرع بر اوسعیت نفس الامر از وجود ای در جهت اثبات آن می شود اشکالی وارد شود ولی غرض اصلی این است که حوزه هایی نفس الامری دیده شود به طوری که مثل روز برای ما روشن شود که نفس الامر اوسع از وجود است. بعد از دیدن این حوزه ها و موارد، دیگر مهم نیست که آیا به تحلیل ما ایرادی وارد می شود یا خیر چرا که غرض اصلی دیدن این اوسعیت در ضمن مثال های واضح است. حال اینکه چگونه می شود که در این مثال ها نفس الامر اوسع از وجود است به تحلیل ما بر می گردد. ممکن است ما در تحلیل این چگونگی دچار خطا شویم ولی این نباید موجب شود که اصل رویت مثال های اوسعیت نفس الامر از وجود را از دست دهیم.

---

[1] کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد ـ ط موسسة النشر الاسلامی ص ۱۰۴

[2] این رساله در مجموعه آثار شمس الدین محمد کیشی که توسط انتشارات انجمن حکمت و فلسفه ی ایران در سال ۱۳۹۱ چاپ شده موجود است.

بازبینی #1
ایجاد شده 20 فوریه 2025 15:36:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 فوریه 2025 15:41:59 توسط ... .